

شرق روزنامه

نگاه

عواقب ژئوپلیتیک واگذاری جزایر مصری به عربستان

کوروش احمدی

رئیس‌جمهور مصر نهانیا و باوجود مخالفت‌های گسترده افکار عمومی در آن کشور با تصویب موافقت‌نامه تعیین حدود دریایی با عربستان که در پی تصویب آن از سوی پارلمان انجام شد، بر واگذاری دو جزیره تیران و صنایعیر به عربستان صحه گذاشت. نهایی‌شدن این توافق که باوجود اعتراضات عمومی در مصر و رد توافقی از سوی دادگاه عالی اداری مصر در مرحله بدوی انجام شد، لطمات قابل‌توجهی به موقعیت سیاسی سیسی در داخل مصر زده است. دولت مصر استدلال می‌کند که این دو جزیره همیشه متعلق به عربستان بوده و در سال ۱۹۵۰ به علت ضعف آن کشور در دفاع از آنها در برابر اسرائیل به مصر اجاره داده شدند. درمقابل، مخالفان برای رد ادعای دولت به اسنادی از دوره اشغال مصر از سوی ناپلئون تا موافقت‌نامه سایکس- پیکو در ۱۹۱۶ و نیز برخی فرمان‌ها و احکام دادگاه استناد می‌کنند.

موافقت‌نامه مذکور یکی از پنج توافق‌نامه‌ای بود که در آوریل ۲۰۱۶ و در جریان سفر ملک سلمان به قاهره امضا شد. در سه توافق‌نامه دیگر رسماً از ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک با سرمایه ۶۰ میلیارد ریال سعودی (۱۶ میلیارد دلار) و ارسال ماهانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت سعودی به مصر و وصل دو کشور به هم از طریق ساخت یک پل روی این دو جزیره سخن رفته است. برخی نیز مدعی شده‌اند که جزایر در ازای دو میلیارد دلار سالانه و ۲۵ درصد از منافع نفت و گاز جزایر به عربستان واگذار شده است. به‌هرحال، شکی نیست که با توجه به مشکلات اقتصادی شدید در مصر، امید به دریافت کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری مشترک یکی از دلایل این اقدام مصر بوده، اما نمی‌توان واگذاری این جزایر را عامل تعیین‌کننده‌ای در حمایت‌های عربستان از دولت نظامی مصر به‌شمار آورد. ریاض از سال ۲۰۱۳ به‌بعد به دلایل استراتژیک، سیاسی و ایدئولوژیک، از جمله دشمنی مشترک با اخوان‌المسلمین، قویا از قاهره حمایت کرده و صرف‌نظر از این توافق، فرض بر این است که در وضعیت کنونی این حمایت‌ها تحت هر شرایطی ادامه خواهد یافت. مصر، پرجمعیت‌ترین کشور عربی و دارنده بزرگ‌ترین ارتش عربی است و ریاض تصور می‌کند که هم در صحنه‌ی‌های منطقه‌ای و هم برای حفظ وضع موجود در کشورهای عربی به همراهی قاهره نیاز دارد.

از نظر ژئوپلیتیک، تیران و صنایعیر حائز اهمیت بسیار زیادی هستند. این دو جزیره در فاصله چهار کیلومتر از یکدیگر در دریای سرخ و دهانه خلیج عقبه قرار دارند. جزیره تیران در مجاورت تنگه تیران واقع است که تنها راه تردد کشتی‌ها به بندر ایلات در اسرائیل و بندر عقبه در اردن است. اعمال محدودیت‌هایی بر عبور کشتی‌های اسرائیلی از این تنگه در می ۱۹۶۷ نهایتاً به جنگ شش‌روزه انجامید. این جزایر در سال ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمده‌ند و هر دویاد درنهایت به مصر اعاده شدند. در سال ۱۹۷۹ به پیمان جدید بین مصر و اسرائیل، بندی اضافه شد که بر تعلق دو جزیره به مصر، غیرنظامی‌بودن آن دو، استقرار یک نیروی بین‌المللی در آنها و حق عبور از تنگه تیران برای همه کشورها تأکید شده است.

با توجه به این بند و اینکه اسرائیل مدعی ذی‌نفع‌بودن در وضعیت دو جزیره است، شواهد حاکی از نقش‌داشتن اسرائیل در این واگذاری و رضایت از آن است. به گزارش الاهرام، مصر رسماً اسرائیل را در جریان طرح واگذاری قرار داده و اعلام کرده بود که عربستان به مفاد موافقت‌نامه کمپ دیوید در مورد جزایر متعهد است. جویر، وزیر خارجه عربستان، نیز در مصاحبه‌ای رسماً آمادگی عربستان برای محترم‌شمردن مفاد کمپ دیوید در مورد جزایر را اعلام کرد. رسانه‌های اسرائیل همچنین ادعا کردند که دولت سعودی نامه‌ای رسمی نیز مبنی‌بر پابیندی به کمپ دیوید در این مورد به اسرائیل فرستاده است. موشه یعلون، وزیر دفاع اسرائیل، در این مورد به خبرنگاران گفت: «ما به توافقی چهارجانبه (مصر، عربستان، اسرائیل و اردن) برای انتقال مسئولیت جزایر رسیدیم، مشروط بر اینکه سعودی‌ها جای مصری‌ها را در ضمیمه نظامی پیمان کمپ دیوید بگیرند.» نقش اسرائیل در این توافق می‌تواند موجب تسریع برخی روندها در منطقه باشد. اعلام رضایت اسرائیل به این توافق، تماس‌های بین دو طرف در این رابطه و نامه مورد اشاره می‌تواند به روند نزدیک‌شدن عربستان و اسرائیل سرعت بخشد و نقش اسرائیل در محور عربستان در منطقه را علنی‌تر کند. البته از زمان روی‌آوردآمدن سیسی در مصر در سال ۲۰۱۳، اسرائیل اصراری بر اجرای دقیق پیمان کمپ دیوید ندارد. برعکس، اجازه حضور شمار فرازنده‌ای سرباز مصری در سینا را برای مبارزه با اسلام‌گرایان و اعمال محاصره غزه داده است. از طرفی، گزارش‌های متعددی حکایت از وجود روابط تجارتی، امنیتی و اطلاعاتی بین اسرائیل و عربستان و حتی آموزش نیروهای سعودی از سوی اسرائیل دارد. عدم اعتراض اسرائیل به فروش سلاح آمریکایی به سعودی در این رابطه نیز حائز اهمیت است.

شوقی عیسی، یک تحلیلگر فلسطینی و وزیر سابق در حکومت خودگردان، گفته است: «رواقع ممکن است اسرائیل مشوق مصر برای تحویل دو جزیره به عربستان بوده باشد.» پیش‌فرض این نظر این است که اسرائیل کنترل عربستان بر دو جزیره را ترجیح می‌دهد؛ چراکه این امر عربستان را به پیمان کمپ دیوید متعهد می‌کند، مستلزم همکاری‌های امنیتی نزدیک‌تری بین اسرائیل و عربستان با کمک مصر و اردن خواهد بود، عربستان و اسرائیل را در تماس بیشتری با هم قرار می‌دهد و به اسرائیل امکان ایفای نقش بیشتری در منطقه می‌دهد. چنین روندی همچنین می‌تواند از طریق نزدیک‌شدن روابط اسرائیل با اعراب، فلسطینی‌ها را بیش از پیش در برابر فشارهای آمریکا و اسرائیل برای پذیرش صلحی ناعادلانه و تحمیلی آسیب‌پذیر کند.

یادداشت

عربستان سعودی و مسئله جانشینی

کاوه حسین‌زاده:عربستان سعودی ساختار سیاسی یگانه‌ای دارد؛ نظامی که نام رسمی‌اش پسوند خاندان حاکم بر آن را یدک می‌کشد تا همواره به همگان یادآور باشد که کشور ملک طلق چه کسی است. راز بقای عربستان سعودی را از ابتدای تشکیل آن در ۱۹۳۲ تاکنون، باید در از سر گذراندن بحران‌های جانشینی دانست. در نبود سازوکار انتخابات و ضعف مفرط نجبان غیرسلطنتی، فقط تحولات و تصمیمات خاندان سلطنتی و در رأس آن پادشاه است که آینده این نظام سیاسی منحصربه‌فرد را رقم می‌زند. پادشاه با قرارگرفتن در رأس نظام سیاسی تمامی مقامات مهم ازجمله ولیعهد، وزیران، اعضای مجلس مشورتی و نیمی از اعضای شورای شهر را عزل و نصب می‌کند و انتصاب قضات دادگاه‌های شرع به توصیه ششورای‌عالی قضائی و از سوی او صورت می‌گیرد. شاخه عبدالعزیز (فرزندان ابن‌سعود) بزرگ‌ترین و پرنفوذترین شاخه خانواده سلطنتی است و شاخه فرزندان «حصه سدیری»، همسر مورد علاقه عبدالعزیز، معروف به شاخه هفت سدیری (آل‌فهد) مهم‌ترین زیرشاخه آن به شمار می‌رود. در چنین حکومت‌های خانوادگی‌ای عمده‌ترین چالش برای ثبات نظام سیاسی چالش جانشینی است. در عربستان، خلاف سنت اروپایی قرون وسطا، قدرت و ثروت به پسر بزرگ نمی‌رسد. عرف قبیله‌ای پیش از اسلام معتقد بود قدرت نمی‌تواند تنها از پدر به پسر منتقل شود؛ بلکه برادر، عمو یا پسرعموی حاکم نیز ذی‌نفع به شمار می‌روند. نتیجه آنکه قدرت باید به بستگان ارشد حاکم منتوی واگذار شود. ثبات داخلی عربستان سعودی در نیم قرن اخیر تا حد زیادی مرهون ملک‌فیصل (۱۹۰۶–۱۹۷۵) و نظامی است که او در دوران حکومت خود پی‌ریزی کرد. او با کنارزدن برادر ناتنی خود ملک‌سعود به قدرت رسید و توانست خاندان سلطنتی را متحد کرده و جایگاه پادشاهی را تثبیت کند. گرچه فیصل به ۱۹۷۵ به دست برادرزاده‌اش به قتل رسید، اما «نظم فیصلی» به‌جامانده از او اصول کلی جانشینی را ترسیم و از تبدیل مسئله جانشینی به بحران جلوبری می‌کرد. نظم فیصلی بر چندین اصل استوار بود: پادشاه باید از فرزندان ابن‌سعود باشد، نتیجه آنکه تمامی شاخه‌های دیگر به‌جز عبدالعزیز از چرخه جانشینی خارج شدند. قدرت باید اقلی اعطا شود، به این معنا که پادشاه باید از میان فرزندان در قید حیات مؤسس پادشاهی انتخاب شود و بزرگ‌ترین گناه برای پادشاه این است پسران خود را نسبت به برادرانش ارجح بدارند. مسن‌ترین و قابل‌ترین شخص باید پادشاه باشد. قدرت باید به تعادل تقسیم شود.

جانشینان بعدی نیز همین روند را ادامه دادند. بعدها ملک‌فهد به‌قدرت‌رسیدن پسران پادشاه مؤسس را به صورت قانون ابلاغ کرد که در آن پادشاه وارث خود را انتخاب می‌کند. گرچه این امر در تاریخ عربستان سعودی بی‌سابقه نیست و در ۱۹۳۳ ابن‌سعود بزرگ‌ترین پسر در قید حیات خود، سعود را وارث برحق معرفی کرد، اما سال‌هاست که در این کشور پادشاه فرزند خود را به‌عنوان ولیعهد معرفی نکرده است. اکنون که ملک‌سلمان فرزند خود را به ولایت‌عهدی منصوب کرده، این سوالات پیش می‌آید که آیا این انتقال قدرت از نسل دوم به سوم شاهزادگان می‌تواند بدون تنش طی شود؟ نواودگان ابن‌سعود می‌توانند روند جانشینی را به‌طور منظم به پیش ببرند و هم‌گرایی خود را حفظ کنند؟



عکس: Reuters

«ایاد علاوی»، نخست‌وزیر اسبق عراق:

طایفه‌گرایی عراق اساساً مشکلی سیاسی است

ساکنانش اجازه داده نمی‌شود به آنجا برگردند. این موضوع را به حیدر

العبادی، نخست‌وزیر و هادی العامری، فرمانده شبه‌نظامیان بدر، هم گفتیم ولی تا الان اتفاقی نیفتاده است.

✎ این روزها صحبت از ائتلاف‌های جدید برای انتخابات آینده پارلمانی عراق است. تا چه حد این خبرها صحت دارد؟

به‌صراحت باید بگویم من تا به حال به فکر ائتلاف با کسی نبوده‌ام.

ولی داریم تفاهم می‌کنیم که قلمروهای مشترکی را به‌طور مشخص با طرف‌های دیگر به وجود آوریم. برای مثال فرانکسیون‌ها و شخصیت‌هایی هستند که به ما نزدیک اند. به طور نمونه ما با جریان صدر مشترکات زیادی داریم. این نزدیکی‌ها شخصی نیست، بلکه به دلیل داشتن یک برنامه مشترک و راهکارهای مشترک است. همچنین در دیدگاه‌ها با برخی شخصیت‌های ملی دیگر اشتراک داریم مثل سعد البزاز و جمال الضاری و دیگران که هرکدام برای خود جایگاهی در عراق دارند. ما داریم سعی می‌کنیم و امیدواریم راهی پیدا کنیم که خودمان را به کردها هم برسانیم. به‌هرحال ارزیابی‌های ما همچنان استمرار دارد ولی هنوز به صورت یک ائتلاف در نیامده است.

✎ آیا شما با به‌توقیق افتادن انتخابات موافق هستید؟

من به رهبران سیاسی نامه نوشتم و از آنها خواستم انتخابات را به تعویق بیندازند. پیشنهاد دادم کمیسارای ناظر بر انتخابات عوض شود. بعدد باید قوانین مربوط به این نهاد ناظر تعیین و در مرحله بعد قانون جدیدی برای انتخابات نوشته شود. من بدون استثنا به همه رهبران سیاسی نامه نوشتم. آنها هم جواب دادند؛ یعنی همه آنهایی که با این درخواست به صورت مثبت برخورد کرده بودند. ما همچنان پیکیر هستیم. بعضی از استان‌ها احساس می‌کنند تعویق انتخابات به نفعشان خواهد بود. اما بعضی استان‌های دیگر با مشکل آوارگان و رانده‌شدگان مواجه هستند.

پس از پیروزی بر داعش، ما به یک سال کامل نیاز داریم تا مشکلات اینها را بتوانیم حل کنیم. بنابراین نمی‌توانیم در خیلی از استان‌ها انتخابات برگزار کنیم. از سوی دیگر دولت اعلام کرده نایزمند پول است. طبعاً ما باید انتخابات ششوراه را در انتخابات مجلس ادغام کنیم. باید این دو انتخابات در یک روز برگزار شود تا هزینه کمتری داشته باشد. در ضمن سازمان ملل

ایاد علاوی (متولد ۱۹۴۴) سیاست‌مدار عراقی است که بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ نخست‌وزیر این کشور بود و از سال ۲۰۱۴ یکی از معاونان رئیس‌جمهور عراق شد. علاوی که از شیعیان عراق است، در جوانی عضو حزب بعث بود و بعدها از آن جدا شد و در سال ۱۹۹۱ جنبش «وفاق ملی» را تأسیس کرد. او در انتخابات سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ نقش فعالی داشت و ائتلاف العراقیه را رهبری می‌کرد. شیعه‌بودن و سابقه یعنی داشتن موجب شده تا او شخصیتی دوجوهی داشته باشد و به‌ویژه در بین اهل سنت عراق محبوبیت خوبی کسب کند. انتقادهای او از سیاست‌های آمریکا در تمایل داریم ارتباط خوبی با همسایگان‌مان اعم از عرب و غیرعرب داشته هم‌اکنون علاوی سومین معاون رئیس‌جمهور و رهبر ائتلاف العراقیه به حساب می‌آید؛ ائتلافی که برای کسب قدرت در مجلس آینده از همین الان خیز برداشته است.

✎ شما اخیراً با ایرج مسجدی، سفیر جدید ایران در بغداد، دیداری داشتید. در این دیدار چه گذشت؟

ما با هم خیلی صریح گفت‌وگو کردیم. من به ایشان گفتم طرفدار

هیچ‌گونه تعرضی به ایران نیستم ولی نمی‌خواهم ایران هم در امور داخلی ما دخالتی کند. در عراق ما یک مشکل نداریم، بلکه ده‌ها مشکل داریم. به او گفتم ما حاضریم گفت‌وگوهایی را با هم در بغداد داشته باشیم. شما هرکس را می‌خواهید از ایران بیاورید تا مشکلاتی را که بین ما و شما وجود دارد حل‌وفصل کنیم؛ ما در یک جزیره خالی زندگی نمی‌کنیم. بنابراین تمایل داریم ارتباط خوبی با همسایگان‌مان اعم از عرب و غیرعرب داشته باشیم. ما به‌شدت به امنیت و ثبات منطقه اهمیت می‌دهیم. من به ایشان یادآوری کردم در کنفرانس نخست شرم‌الشیخ (سال ۲۰۰۴) که درباره عراق بود و یک سال بعد از اشغال عراق به دست آمریکا تشکیل می‌شد، اصرار داشتم حتماً باید ایران هم در این کنفرانس حاضر باشد. این درحالی بود که جورج بوش (پسر) رئیس‌جمهور آمریکا، با این موضوع مخالف بود. خلاصه حرف من به سفیر ایران همین بود و گفتم که ما خواستار یک رابطه مبتنی بر احترام متقابل هستیم. ایران همواره نقشی تعیین‌کننده در آشتی ملی عراق و ایجاد تفاهم بین گروه‌های مختلف داشته است. من در این دیدار همچنین مسئله شهرک جرف الصخر را مطرح کردم و اینکه به

بازی دو سر برد بن‌سلمان در زمین روسیه

رضا اختیاری‌امیری

بن‌سلمان نیز پیش از عزیمت به مسکو اعلام کرده بود که گفت‌وگو درباره سوریه و ایران از جمله محورهای اصلی سفرش به مسکو است.

ولادیمیر پوتین، تلاش داشت تا مسکو را قانع کند که از حمایت «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، دست بکشد، اما موفق به حصول این هدف نشد. اما به‌نظر می‌رسد سفر اخیر وزیر دفاع عربستان حاکی از این واقعیت است که رهبران عربستان به این ادراک رسیده‌اند که حل مسئله سوریه بدون همکاری مسکو امکان‌پذیر نیست و همچنین حل بحران سوریه



«محمدبن سلمان»، ولیعهد سعودی، در دو سال

گذشته دوبار با «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه و تنی چند از مقامات ارشد این کشور دیدار و گفت‌وگو داشته است. اگرچه هدف از این سفر بررسی مسائل منطقه‌ای، به‌ویژه بحران سوریه و موضوع ایران اعلام شده، اما باوجوداین به نظر می‌رسد سفر محمدبن سلمان به مسکو اهداف و انگیزه‌های مختلفی داشته باشد که در دستور ذیل به آنها خواهیم پرداخت.

۱. موازنه‌گری در عرصه دیپلماسی: سفر بن‌سلمان یک هفته بعد از آن اتفاق افتاد که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا، به این کشور سفر کرده بود. این موضوع مؤید این واقعیت است که نجبان سعودی به‌خوبی بر این امر واقفند که تقویت توان و قابلیت کنشگری این کشور مستلزم همکاری و توسعه هم‌زمان مناسبات با شرق، به‌ویژه روسیه است. در حقیقت، آنها قائل به نوعی از توازن در عرصه دیپلماسی هستند؛ هرچند که روابط با آمریکا برای عربستان سعودی همچنان در اولویت قرار دارد.

۲. امنیت‌سازی در محیط پیرامونی: «عبدالرحمن بن ابراهیم الرسی»، سفیر عربستان سعودی در روسیه، در مصاحبه‌ای با الشرق‌الاوسط با اشاره به اهمیت زمان‌بندی سفر شاهزاده محمدبن سلمان به روسیه بعد از اولین سفر خارجی دونالد ترامپ به عربستان سعودی، گفت که مسکو و ریاض تمایل به افزایش همکاری‌های همه‌جانبه، به‌ویژه در زمینه «تقویت امنیت و ثبات در منطقه» دارند. با توجه به این بیانات، دو موضوع برای عربستان حائز اهمیت به نظر می‌رسد: نخست بحران سوریه و چگونگی حل آن و دوم مسئله ایران و شیوه مقابله با قدرت و نفوذ این کشور در ژئوپلیتیک غرب آسیا. در همین ارتباط،